

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ارزیابی حکمرانی وزارت نفت و شرکت ملی نفت ایران

سید غلامحسین حسن تاش



انديشكده مطالعات
حاکمیت و سیاست‌گذاری

۱۳۹۵ دی ۲۷

● ریشه حکمرانی و حکمرانی خوب و تفاوت آن با حکومت

ریشه یابی واژه حکمرانی ما را به واژه یونانی (kubernan راهبری یا هدایت کردن) می رساند، واژه ای که افلاطون آنرا برای چگونگی هدایت یک نظام حکومتی به کار برده است. این واژه یونانی در قرون وسطی به واژه **Gubernane** تبدیل شده است که بر راندن، حکمروایی کردن یا راهبری دلالت دارد. در اینجا حکمرانی "عمل یا شیوه حکومت کردن یا کارکرد حکومت" است (کایر، ۱۳۸۶: ۳).

مرکز سکونتگاههای انسانی سازمان ملل متحد (UN-HABITAT) حکمرانی را بدین صورت تعریف می کند: "حکمرانی مجموعه ای از اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه ریزی و اداره مشترک امور است و فرایند مستمری از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد است که در قالب اقدامات مشارکتی و سازگار حرکت می کند و شامل نهادهای رسمی و ترتیبات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است» طرح توسعه ملل متحد می گوید که حکمرانی خوب مشتمل بر سنت ها، نهادها و فرایندهایی است که تعیین می کند چگونه تصمیمات دولتی به صورت روزانه اتخاذ می شوند و پرسش های زیر را پاسخ می دهند:

- چگونه و تا چه حدی شهروندان می توانند در سیاستگذاری های جاری کشور حق اظهار نظر داشته باشند؟
- اداره منابع و خدمات عمومی چه میزان کارآیی دارد؟
- چگونه جلوی سوء استفاده از قدرت و اختیارات دولتی گرفته می شود؟
- کارگزاران دولتی چقدر پاسخ گوی اقداماتشان هستند؟
- شکایات و تظلمات چگونه چاره اندیشی و رفع می شوند؟

اما در این بحث مراد و منظور از حکمرانی وظیفه اصلی دولت به مفهوم دستگاہ اجرائی است که توضیح داده خواهد شد

وظایف یا فعالیت دولت (نیازهای جامعه):

حاکمیت یا حکمرانی: (وظیفه اصلی دولت)

سیاست گذاری؛ برنامه ریزی ملی؛ قاعده گذاری رگولاتوری؛ کنترل و نظارت؛ هم راستا کردن منافع خصوصی و منافع ملی

تصدی گری: (وظیفه بخش خصوصی)

بنگاه داری؛ تولید کالا و خدمات؛ توزیع و

ممکن است دولت تصدی گری کند و یا سهام دار بنگاه ها باشد. مساله مهم تفکیک کامل حیطه های این دو است

بزرگترین مشکل دولت در ایران و دلایل آن :

• غلبه تصدی گری و بنگاه داری بر حاکمیت و حکمرانی یا غلبه کار فرعی دولت بر کار اصلی دولت

• اغلب دستگاه های دولتی بیش از این که سازمان دولتی باشند در عمل هلدینگ های اقتصادی هستند

• برخی دلایل حجیم شدن تصدی دولت : تمرکز گرائی در قبل از انقلاب، اقتصاد نفتی خصوصا از ۵۲ تا ۵۶، مصادره های بعد از انقلاب ، شرایط فورس ماژور جنگ تحمیلی ،

• شاید مهمترین علت عدم انسجام دولت نیز همین مساله باشد. دستگاه های سیاست گذار بهم نزدیک می شوند ، اما بنگاه های دولتی رقیب هم هستند خصوصا در جذب بودجه و منابع

• بنظر می رسد مشکل اصلی عدم درک عمیق و درست از وظایف دولت و آموزش و درک و گرایش دولت مردان است (انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی)

• در ایران نوعا سعی شده است خلاء های حاکمیتی با شوراها پر شود که چندان موفق نبوده اند

ضرورت دولت سازی قبل از خصوصی سازی

بزرگترین مشکل بخش انرژی :

- در بخش انرژی خلاء حاکمیتی بیشتر از سایر بخش ها است و به عبارتی این بخش فاقد ستاد حاکمیتی است
- در برنامه سوم مساله ادغام دو وزارتخانه نفت و نیرو مطرح بود که بعدا منتفی شد (چرا) و مجلس بجای آن تشکیل شورای عالی انرژی را تصویب کرد
- شورای عالی انرژی تشکیل نشد و موفق نبود

مشکلات زیر بخش نفت :

وضعیت صنعت نفت در قبل از انقلاب: تجمیع وظایف حاکمیتی و تصدی گری در شرکت ملی نفت ایران، تا قبل از ۱۳۵۳ عمده تصدی گری عمدتاً در آسکو بود، بعد از تجدید نظر در قرارداد کنسرسيوم در ۱۳۵۳ این تداخل تشدید شد و بعد از انقلاب به اوج رسید.

مصوبه شورای انقلاب برای تاسیس وزارت نفت و تاسیس صوری وزارت نفت؛ تشدید تداخل وظایف حاکمیتی و تصدی گری در بعد از انقلاب

تصویب قانون نفت در سال ۱۳۶۶ و تکلیف قانونی تجدید نظر در اساسنامه شرکت ملی نفت ایران و عدم اجرای آن تا بیش از ۲۵ سال

تداوم تداخل وظایف و روشن نبودن رابطه حقوقی حاکمیت و تصدی

فقدان درک صحیح و دقیق از حکمرانی و قدرت و الزامات آن